

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سندت پژوهش‌های علمی

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایدی از خداوند سبحان و اوستاد به این که عالم محضر خداست و شماره نابر اعمال انسان در مشور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به ایت جایگاه دانشگاه و احتمالی فرهنگ و تمدن بشری را در انجمن و اعصاب بریت علمی و معنای دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهش در نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل برت: التزام به برت جمعی از حرکت رفتار غیر حرفی و اعلام موضع نیست به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به سبب های غیر علمی می آید.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به جناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و وسایع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید به روح دانش و اتمه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم با حرمت با انجام تحقیقات در رعایت جانب تعدد خود داری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در رسانای پلی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت ملی و مسئولی: تمهید به رعایت کامل حقوق ملی و مسئولی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تمهید به رعایت منافع ملی و در نظر داشتن به پیشبرد توسعه کشور و کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: ادیان و عرفان

عنوان :

بررسی تطبیقی لوگوس در مسیحیت و حقیقت محمدیه

استاد راهنما:

دکتر عبدالرضا مظاهری

استاد مشاور :

دکتر عبدالحسین طریقی

پژوهشگر :

زهرة ناصرزاده

زمستان ۱۳۸۳

تقدیم به

پدر و روح مادر عزیزم

تقدیم به

فرزندم و یگانه شریک و همراه جاده زندگی، همسر مهربانم

پاسکزاری:

پاس ویژه از استاد فرزانه، جناب آقای دکتر عبدالرضا مطهری، که درس اخلاق به من آموختند؛ با جدیت، مهربانی و بردباری ای که مخصوص ایشان است، در نوشتن این پژوهش مرا یاری کردند.

همچنین با شکر صمیمانه از استاد کرامت‌دین جناب آقای دکتر عبدالحسین طریقی، که با مطالعه پایان‌نامه اینجناب، مراد رفع نواقص آن را سهولت کردند. و در آخر از دانشمند فرهیخته و استاد کرامت‌دین و عزیز جناب آقای دکتر گل‌بیا سعیدی که داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

و با سپاس از دیگر اساتید و عزیزانی که به نحوی، در این امر پشتیبان من بودند.

تعه‌دنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجان‌ب زهره ناصرزاده دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۰۰۰۲۱۶۴۰۰۰ در رشته الهیات و معارف اسلامی، ادیان و عرفان که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ از پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی تطبیقی لوگوس در مسیحیت و حقیقت محمدیه با کسب نمره ۱۹ و با درجه عالی دفاع نموده ام، بدینوسیله متعهد می شوم :

- ۱- این پایان نامه، حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجان‌ب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست، ذکر و درج کرده ام .
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است .
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجان‌ب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۵

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم زهره ناصرزاده از پایان نامه خود دفاع نموده و

با نمره ۱۹ به حروف نوزده و با درجه عالی مورد تصویب قرار

گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

بخش اول: لوگوس در مسیحیت

۲.....	فصل اول: معنای لغوی
۳.....	معنای لغوی و اصطلاحی واژه لوگوس
۶.....	فصل دوم: بستر تاریخی لوگوس در یونان باستان
۷.....	هراکلیوس
۱۰.....	افلاطون
۱۲.....	رواقیون
۱۶.....	فیلون
۲۱.....	فصل سوم: ورود و کاربرد فلسفه در الهیات مسیحی
۲۳.....	نخستین برخورد مسیحیت و فلسفه
۲۴.....	آتن و موج غنوصی
۲۵.....	اسکندریه
۲۵.....	افلاطونیان مسیحی نخستین در اسکندریه
۲۵.....	کلمنت اسکندرانی و توسعه الهیات کلمه خدا
۲۶.....	اوريجن
۲۶.....	نوافلاطونیان مسیحی
۲۶.....	افلوطین (پلوتینوس)
۲۹.....	ادامه نوافلاطونی مسیحی

۲۹ سنت آگوستین
۳۲ فلسفه اصحاب مدرسه
۳۲ توماس آکویناس
۳۴ فصل چهارم: تجسم لوگوس در عیسی مسیح و نظرات مختلف در این باب
۳۶ نظریه ناستیک ها
۳۶ نظریه پیروان آریوس
۳۶ شورای نقیه
۳۷ نظریه پیروان آپولیناریوس
۳۸ دیدگاه سنتوریوس
۴۱ شورای افسس
۴۱ دیدگاه اثوتوخوس (اوطیخا)
۴۲ شورای کالسدون
۴۳ فصل پنجم: لوگوس و حکمت
۴۷ فصل ششم: کارکردهای لوگوس
۴۸ کارکرد اول: خلقت
۵۰ کارکرد دوم: کشف وحی
۵۰ کارکرد سوم: وساطت
۵۲ فصل هفتم: جایگاه کلمه (لوگوس) در انجیل
۵۳ الهیات و آراء پولس
۵۷ انجیل مرقس، لوقا، متی
۵۹ انجیل یوحنا و مکاشفات او

بخش دوم: حقیقت محمدیه در اسلام

- فصل اول: کلمه «حقیقت» در لغت ۶۳
- تعریف حقیقت محمدیه ۶۶
- حقیقت محمدیه و مترادفات آن ۶۸
- انسان کامل ۶۹
- حقیقت محمدیه و عقل اول ۷۴
- فصل دوم: معادل حقیقت محمدیه در ادیان دیگر ۷۷
- لوگوس یا کلمه الهی در مسیحیت ۷۸
- ۱- خاود(شخینا)(در عرفان هسیدیم یهود) ۸۱
- ۲- خورنه یا فرکیانی (دردین زرتشتی) ۸۱
- ۳- آواتار ، جیو آتمن و پرام آتمن (دردین هندو) ۸۱
- ۴- ساتوری (در دین بودا) ۸۱
- فصل سوم: اثبات حقیقت محمدیه ۸۲
- دلایل نقلی ۸۳
- دلایل عقلی ۸۴
- ۱- حقیقت محمدیه، اقتضاء ذات و اسماء الهی ۸۴
- ۲- اثبات حقیقت محمدیه از طریق اظهار هویت غیبی احدی ۸۷
- فصل چهارم: دیدگاه های مختلف در مورد حقیقت محمدیه ۹۲
- دیدگاه ابن عربی ۹۳
- دیدگاه عبدالکریم جیلی ۹۹
- دیدگاه ملاصدرا ۱۰۳
- دیدگاه ابوالعلاء عقیفی ۱۰۷

۱۱۲	دیدگاه امام خمینی (س).....
۱۱۶	فصل پنجم: کارکردهای حقیقت محمدیه
۱۱۸	واسطه فیض و بدأ و ختم وجود.....
۱۲۰	اصل و مبدأ نبوت و ولایت.....
۱۲۲	حفظ عالم و نظم هستی.....
۱۲۴	صاحب مقام مشیت مطلقه (مقام کن).....
۱۲۶	فصل ششم: جایگاه حقیقت محمدیه در نظام هستی
۱۳۱	فصل هفتم: جایگاه کلمه در قرآن کریم

بخش سوم: جایگاه کلمه در قرآن

۱۳۲	فصل اول: معنی واژه کلمه
۱۳۶	فصل دوم: معانی اراده شده از کلمه
۱۳۷	احکام و فرامین الهی.....
۱۳۸	قضا و مشیت الهی.....
۱۳۹	عیسی مسیح (ع)
۱۴۰	گفتار الهی.....
۱۴۲	مظاهر کلمه.....
۱۴۲	تمامیت کلمه
۱۴۳	کلمه و ایمان به کلمات.....
۱۴۳	کلمه و خدا.....
۱۴۴	کلمه و عمل.....
۱۴۴	کلمه حقه.....
۱۴۵	رابطه کلمه و کن.....

- ۱۴۵.....وجه تسمیه روح به کلمه
- ۱۴۶.....رابطه وحی و روح(کلمه)
- ۱۴۶.....رابطه امر و کلمه
- ۱۴۶.....ادراک کلمه

فهرست منابع و مآخذ

- ۱۴۹.....منابع فارسی
- ۱۵۴.....منابع انگلیسی

بخش اول
لوگوس در مسیحیت

فصل اول

معنای لغوی

معنای لغوی و اصطلاحی واژه لوگوس

در دایره المعارف New Catholic آمده است:

کلمه (Logos) در زبان یونانی از معانی مختلفی چون تخمین، شمارش، تبیین، حکایت، اصطلاح، گفتار و غیره برخوردار است، اما کاربرد این کلمه در عبارتی با معنای «Word of God» یعنی «گفتار خدا» همانگونه که در نوشته های یوحنا در عهد جدید یافت می شود آن را به واژه ای با معنای الهیاتی مبدل می سازد.^۱

همچنین در دایره المعارف Hastings درباره معنای لغوی Logos آمده است که:

واژه یونانی $\lambda o y o s$ معادل دقیقی در هیچ زبانی دیگری ندارد. و در الهیات لاتین نهایتاً واژه Verbum را بعنوان معادل آن در نظر گرفتند. واژه Verbum هم در فلسفه یونان و هم در الهیات اسکندری یهودیان، تاریخچه دارد. اما در حالیکه این واژه در فلسفه یونان به معنای خرد الهی می باشد. و در روند حرکت کیهانی بعنوان امری فطری تلقی می شود؛ نویسندگان Septuagint از آن استفاده می کنند تا واژه عبری Memra و مترادفهای آوایی آنرا ترجمه کنند که نخستین معنای آنها «سخنان پروردگار» است.

یونانیان یهودی باستان تلاش کردند این دو معنای اصلی و متمایز را در هم ادغام کنند و بنابراین استفاده از این لغت در مسیحیت بعنوان اسمی برای شخص دوم تثلیث که در مسیح نصاری تجسد یافت، رواج پیدا کرد.

از نظر پیگیری تاریخی، رشد این عقیده را باید به ترتیب در:

۱. فلسفه یونان
 ۲. الهیات اسکندری یهود
 ۳. الهیات مسیحی
- بررسی کرد.^۲

در دایره المعارف JUDAICA درباره معنای لغوی لوگوس آمده است:

کلمه ای است یونانی به معنای «گفتار»، «سازمان» و «نظم منطقی»، «رابطه منطقی» یا «پیام منطقی» که در نوشته های فلسفی یونانی مکرراً بکار رفته است. کلمه لوگوس، همانند کلمه خداوند و تمامی

^۱ - New Catholic Encyclopedia. چاپ دوم - ۲۰۰۳ - ص ۷۵۸.

^۲ - Encyclopedia of Religion and Ethics James Hastings جلد ۸ - ص ۱۳۳

نمودهای آن، در متون کلامی مسیحی و یهودی یونانی زبان و متعلق به دوران یونانی مداری به چشم می خورد.

اریستو بولوس پایناس، حکمت سلیمان و آثار فیلون از جمله منابع یهودی و انجیل یوحنا قدیمی ترین نمونه از منابع مسیحی است.^۱

در دایره المعارف Eliade در مورد معنای لغوی لوگوس آمده است:

اسم لوگوس به قدمت خود زبان یونانی است. این کلمه به مرور زمان تعداد زیادی معنای متفاوت کسب کرده است که به زحمت می توان همه آنها را در یک مقوله واحد گنجانند.

«Reason» (عقل)، ترجمه ای است که شاید کمترین مشکل را ایجاد کند، اما خود کلمه Reason هم چندان بی ابهام نیست. شاید بهتر آن باشد که حوزه معنایی گسترده کلمه Logos را تقسیم کنیم. برای این منظور سه معنای اصلی را از یکدیگر تمیز می دهیم، هر چند این کار خود مستلزم ساده سازی بسیار است.

۱. معنای عینی (Objective): زمینه یا مبنای منطقی (در آلمانی Grand) برای چیزی. این معنا از ماهیتی منطقی یا حسابی برخوردار است. و به عنوان قاعده ای تبیینی کارکرد دارد.
 ۲. معنای ذهنی (Subjective): قدرت یا قابلیت تعقل (المانی Vernunft) یا تفکر.
 ۳. معنای بیانی (Expression): اندیشه یا تعقلی که در گفتار یا نوشتار بیان می شود.
- (گفتار می تواند صدادر باشد یا کاملاً در ذهن اتفاق بیفتد).^۲

در منابع مسیحی، به طور مثال، قاموس کتاب مقدس ذیل واژه «کلمه» آمده است:

قصد از کلمه خداوند، عیسی مسیح می باشد و این لفظ جز در یوحنا در جای دیگر مذکور است و لکن مقصود نه آن است که یوحنا قصد نموده است.^۳

در کتاب دراسات بیبلیه، جلد دوم (انجیل یوحنا) آمده:

لوگوس کلمه ای است یونانی به معنای عقل و کلمه، و به لحاظ مفهوم فلسفی به زمان هراکلیتوس می رسد که تا زمان افلوپین ادامه دارد و اما در مسیحیت، این لفظ به اقنوم دوم از تثلیث دلالت دارد.^۱

^۱ - Encyclopedia Judaica Jerusalem ۴۵۹ ص ۱۱- جلد ۱۱

^۲ - Encyclopedia of Religion – Mircea Eliade ۹ ص ۹- جلد ۹

^۳ - قاموس کتاب مقدس، تألیف و ترجمه مستر هاکس، انتشارات اساطیر، چاپ اول بیروت ۱۹۲۸م- چاپ اول اساطیر ۱۳۷۷- ص ۳۳۵.

فصل دوم

بستر تاریخی لوگوس

در یونان باستان

^۱-دراسات بيبليه، جلد دوم، انجيل يوحنا، الخوري بولس الفغالي، انتشارات دکاش بيروت، چاپ اول، ۱۹۹۲، ص ۶۳۷.

هراکلیتوس (۵۳۵-۴۷۵ قبل از میلاد)

هراکلیتوس در افسس متولد شد و روزگار گذرانید. او دیدگاه جدید و برجسته ای را درباره جهان مطرح کرد. هر چند اقرار می کرد که این دیدگاه را به سادگی با کاربرد عقلانی مشاهداتی بدست آورده که بیشتر مردم از دستیابی به آنها عاجزند. او این دیدگاه را در قالب مضامین آشکارا متناقض بیان کرد که هم معاصران و هم نقادان بعدی را متحیر کرد. و بدین جهت او را شخصیتی پیچیده دانستند. هراکلیتوس تعلیم می داد که جهان، یک واحد است. اما واحدی از نوع خاص، که اجزاء یا نیروهای مخالف در آن با هم در کشمکش اند. به نظر می رسد که او این کشمکش را هم بر حسب ایستایی، چون یک همبود متضادها، و هم بر حسب پویایی، چون آهنگی که در آن گاهی یک نیرو و گاهی دیگری غالب می آید، تفسیر کرده است. بنابراین او می گوید که دریا هم کشنده است (برای انسان) و هم حیاتبخش است (برای ماهی).

همین طور، جمله «روز و شب یکسانند» شاید بدین معنا باشد که آنها وحدتی نهفته دارند. چون ممکن نیست که هر دو بام هم در یک زمان باشند، آنها دو پدیده مستقل نیستند.^۱ هراکلیتوس قاطعانه می گوید: مردم نمی دانند چگونه آنچه ناسازگار است. با خود سازگار است این هماهنگی کششهای متضاد است. مانند هماهنگی کمان و چنگ. بنابراین واقعیت واحد است اما در عین حال کثیر،^۲ برای او جهان مشهود، نظامی سمبلیک است که نیمی از حقیقت را پوشانده و نیم دیگر آنرا آشکار می سازد.^۳

^۱ - فلسفه در مسیحیت باستان، کریستوفر استید، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و مرکز گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۵.

^۲ - تاریخ فلسفه یونان و روم، فردریک کاپلستون، ترجمه سید جلال مجتبی، انتشارات علمی و فرهنگی سروش، تهران ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۲.

^۳ - Hastings جلد ۸، ص ۱۳۴.

اشیائی که به ظاهر اجزای جهان اند، یعنی آتش و آب و خاک، مدام در حال تغییر و تبدیل به همدیگرند. چه به صورت نزول از آتش به خاک و چه برعکس.^۱

حقیقتی که هراکلیتوس به آن اذعان دارد و معتقد است که نظام سمبلیک جهان نیمی از آن را پوشانده و نیم دیگر را اشکار می کند. روح الهی جهان است که زندگیش در تسلسل بی پایان تولد و مرگ، شدن، تغییر کردن، ویران شدن و از نو ساخته شدن متجلی می شود.^۲ اما همیشه این تبدیلهای در نسبتهایی معین است و آتش، کنترل کننده این تغییرات است. آتش به دلیل نورانیت و سرعت حرکتش، با اندیشه مرتبط می شود. و نیز با نمونه عقلانی جریان جهانی، یعنی لوگوس، مرتبط می شود. ظاهراً هراکلیتوس نخستین متفکری بود که کلمه لوگوس را در فلسفه بکار برد.^۳ به زغم او فقط یک Logos وجود دارد، در سراسر جهان که آن خود یکدست و یکتاست. ما می توانیم با کاوشی در درون خود بدین خرد دست یابیم، راه برای همه انسانها باز است که خود را بشناسند و عاقل باشند. روح الهی «طبیعت» است، روند حرکت کیهان است، خرد است، اصل زندگیست،^۴ Logos است. قانون الهی یا اراده خداست. ریشه تمام قوانین انسانی در یگانه قانون الهی است. تا هر زمان که بخواهد حکم می راند و برای همه چیز کافی و بیش از مقدار کافی است. این Logos خرد فطری جهان است. همیشه وجود داشته است. اما انسانها از آن غافلند. هم پیش از آنکه آنرا بشنوند. و هم وقتی که بدن گوش می دهند. Logos مثل واژه «وظیفه» ستارگان را در مدارشان نگه می دارد همان هارمونی پنهانی است که در ناسازگاری ها و تضادهای وجود نهفته است. در مکتب هراکلیتوس هیچ نشان روشنی از خدا نیست که Logos همان خرد یا اراده او بتواند باشد، این سیستم تقریباً همان آیین وحدت وجود است. با عنصری مرموز و قوی،^۵ در عین حال همین نظم عقلانی ممکن است در زمینه های مناسب به صورت آتش، لوگوس یا خدا توصیف شود؛ چون هر چند هراکلیتوس ناقد ادیان معاصر خود بود، اما فلسفه ای خدانشناسانه داشت و نظم الهی را در همه چیز می دید.^۶

^۱ - فلسفه در مسیحیت باستان، ص ۲۶.

^۲ - Hastings جلد ۸، ص ۱۳۴.

^۳ - فلسفه در مسیحیت باستان، ص ۲۶.

^۴ - Hastings جلد ۸، ص ۱۳۴.

^۵ - همان، جلد ۸، ص ۱۳۴.

^۶ - فلسفه در مسیحیت باستان، ص ۲۶.

هر چند او اصرار داشت که فقط تعداد اندکی از انسانها خوب و خردمندند. او معتقد است که ارواح خردمند و تعلیم یافته می توانند پس از مرگ زنده بمانند و خود را با آتش خردمند کیهانی متحد کنند. اندیشه های هراکلیتوس توسط فلاسفه بعد از خود مورد داوری نادرست واقع گردید از جمله افلاطون، زیرا او ادعا می کند. که آموزه هراکلیتوس درباره تغییر عمومی، معرفت اصیل را ناممکن می سازد. با وجود این برخی از جزئیات معتبر تعالیم او را مسیحیان دانشمند مانند کلمنت، هیپولیتوس و یوسیبوس نقل کرده اند.^۱

به طور مثال، کلمنت اسکندرانی که از دانشمندان برجسته مسیحی است. می گوید: هراکلیت کاملاً حق دارد که بگوید، « خدایان، انسانها هستند و انسانها خدایان، چرا که لوگوس، یکی و یگانه است.» و باز کلمنت اسکندرانی می گوید: این معما چنین حل می شود که خدا در انسان است و انسان در خداوند و واسطه، خواست پدر را برآورده می کند. چرا که واسطه همان لوگوس است، که برای انسان و برای خدا یکی است و در عین حال، پسر خداوند و منجی بشر، بنده خداوند و آموزگار ما می باشد.^۲

همچنین آراء و اندیشه های هراکلیتوس بر افکار رواقیون نیز تأثیر گذار بوده است.

افلاطون

افلاطون شاید بزرگترین فیلسوف یونان باشد و بی شک او بیشترین سهم را در الهیات مسیحی دارد. برای مدتی بخصوص در سده های سوم و چهارم میلادی، رهیافتی باز و آزاد نسبت به فلسفه، در مسیحیت رواج یافت و این امر تحت تأثیر دو اسکندرانی یعنی کلمنت و اریجن صورت گرفت. در این زمان تأثیر نویسندگان افلاطونی بر الهیات مسیحی محسوس گشت. اما این امر نظام عقیدتی ثابتی را به وجود آورد که با تصمیمات مقتدرانه شوراها کلیسا تقویت شد. از آن زمان به بعد، بیشتر مسیحیان فقط دیدگاههایی را از افلاطون نقل می کردند که ظاهراً آموزه های ثابت کلیسا را تأیید می کرد. واقعیت خدا، خلقت و مشیت او، قدرتهای آسمانی، روح انسان و تعلیم و تربیت آن، زندگی پس از مرگ و داوری آینده، همه را می شد با گزینشی مناسب از متون افلاطونی تأیید کرد.^۳

^۱ - همان، ص ۲۷.

ص ۱۴، ج ۹، Eliade - ^۲

^۳ فلسفه در مسیحیت باستان، ص ۳۶.